

یادداشت

تعاون علمی



محمدرضا محمدی

یکی از مسائل مهمی که جمهوری اسلامی در پایان دهه چهارم خود با آن مواجه است، مساله فقدان خط‌شکنی علمی در دانشگاه‌های کشور است. این امر موجب شده است، اعتمادبه‌نفس استادان و متفکران در مراکز علمی کشور که همان دانشگاه‌هاست، از بین برود و همواره برای به‌روز شدن، چشم به دستاوردهای کشورهای دیگر باشند.

دانشگاه قلب‌تپنده تولید علم هر کشوری است. اگر دانشگاه، استاد و دانشجو را به سمت تولید علم سوق ندهد و آنها را همیشه به‌عنوان مطالعه‌کننده تولیدات دیگران بار بیاورد، قدرت تفکر و جویندگی علمی‌ را از آنها خواهد گرفت. این خودش بزرگ‌ترین خیانت است که داریم در دانشگاه‌هایمان به خودمان روا می‌داریم.

اما قسمت اعظمی از این ناکارآمدی‌ها مربوط به سنتی بودن ساختارهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های کشور است. به این صورت که ساختار دانشگاهی ما توان این را ندارد که با سرعت رشد علم در دنیا همراهی کند و به‌روزرسانی شود. همین امر دلایل بسیاری دارد که مشکلات بوده‌ای در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها از جمله مهم‌ترین این دلایل هستند.

حال نکته اینجاست که همه این مسائل با اندکی تغییر قوانین و مصوبات بالادستی قابل حل هستند. اما مساله‌ای که تغییر در آن سخت ممکن می‌شود، انجمادفکری متفکران و پاپابندی آنان به چارچوب‌هایی است که تولید علم، مستلزم شکسته شدن آنهاست. این روزها سرفصل‌هایی در دانشگاه‌های کشور برای دانشجویان تدریس می‌شوند که دیگر تولید کنندگان این علوم آنها را منسوخ می‌دانند. این در حالی است که دانشجویان امروزی خودشان می‌فهمند که گاهی منابع‌شان به‌روز نیست. اما کم نیستند استادان متحجری که نه تنها خودشان به پژوهش و تولید علم فکر نمی‌کنند، بلکه به دانشجویان‌شان هم اجازه فکر کردن به چارچوب‌های نوین علمی را نمی‌دهند.

همه اینها اما مانع مغزهای ایرانی برای پیشروی نشده و دستاوردهای علمی جوانان ایرانی هرروز در حال افزایش است؛ افزایشی که احساس خطر را به دشمنان جوانان ایرانی هدیه داده و تحریم را برای بسیاری از دانشگاه‌های تراز اول کشورمان به ارمغان آورده است.

اگر بدون تعارف به دستاوردهای صنعتی‌مان توجه کنیم، درمی‌یابیم که تنها درصد ناچیزی از دستاوردها و اختراعات برگزیده جوانان در دانشگاه‌ها به مرحله تولید انبوه می‌رسند. بسیاری هم معتقدند که ارتباط میان صنعت و دانشگاه در ایران به کلی قطع است. کافی است پای درددل نخیشان دانشگاهی بنشینیم تا مشکلات این مسیر برپایمان روشن‌تر شود. اما مهم‌ترین مانع راه چیست؟

یک تیم فوتبال را در نظر بگیرید؛ بازیکنانی که در آن حضور دارند، منتخبان بهترین تیم‌های ملی دنیا هستند. اما به دلیل مشکلات شخصی که با یکدیگر دارند، با همدیگر پاسکاری ندارند و تاکتیک‌های لازم برای دستیابی به دروازه حریف که توسط مربی طراحی شده را اجرا نمی‌کنند. هر بازیکن به دنبال این است که با مهارت‌های فردی بازیکنان حریف را پشت سر بگذارد و به دروازه قیب برسد. اما چقدر احتمال موفقیت وجود دارد؟ آیا این تیم می‌تواند یک تیم را که بازیکنانی ضعیف‌تر دارد، ولی مجری تاکتیک‌های مربی‌اش است، شکست دهد؟ برخی استادان و دانشجویان در کشور ما سطح بالایی از معلومات را دارند اما عدم وجود روحیه تعامل و کار تشکیلاتی علمی در دانشگاه‌های کشور مانع همیشگی تحقق دستاوردهای علمی شده است. امروزه بسیاری از دستاوردهای علمی در دنیا دستاوردهای میان‌رشته‌ای هستند که تحقق آنها با همکاری‌های دانشمندان و متخصصان رشته‌های مختلف ممکن شده است. در دانشگاه‌های ما اما یک استاد تحمل این را ندارد که دانشجویش در مسیر آماده کردن تز دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با استاد دیگری هم همکاری داشته باشد و در این گونه مواقع ضرب‌المثل «آشپز که دوتا باشه، آش یا شور میشه یا شیرین» بسیار شنیده شده و می‌شود. اغلب مشکلات گفته شد و شاید خودمان هم برای بسیاری از آنها چاره عملی نداشته باشیم اما نکته‌ای که مشخص است و همه ما می‌دانیم، این است که راه‌حل اصلی شکسته شدن چارچوب‌های انتزاعی فکری است که مانع فکر کردن است. به این معنا که گاهی نمی‌توانیم فکر کنیم. اگر فکر کنیم هیچ مشکلی غیرقابل حل نیست.

*** عضو شورای نظارت بر نشریات دانشگاهی وزارت علوم**

درنگ



رضا باقری‌پور*

«رکن اساسی دانشگاه، دانش است. یعنی چه؟ یعنی در دانشگاه باید هم عالم تولید بشود، هم علم تولید بشود، هم عالم و علم جهت درست پیدا کند؛ این سه نکته اساسی در دانشگاه باید باشد. تربیت عالم که من از آن تعبیر می‌کنم به تولید عالم و تولید علم که همان چیزی است که سال‌ها است تکرار می‌کنیم؛ یعنی خطوط مرزی علم را شکستن و جلوگیری که این کاری است که ما در کشورمان هنوز نتوانسته‌ایم آن‌چنانکه شایسته نظام جمهوری اسلامی است، به آن برسیم.»

عبارات فوق بربرده‌ای از بیانات رهبر حکیم انقلاب در دیدار با دانشجویان بود. رهبر انقلاب در این دیدار ضمن طرح مباحثی چون استقلال و وابستگی و کارآمدی نظام اسلامی گریزی نیز به مقوله دانش و تولید علم در کشور زدند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در این بخش، شکافتن و حضور در مرزهای دانش را کارویژه اساسی دانشگاه برشمردند. البته ایشان در ادامه ضمن یادآوری اقدامات انجام‌شده در این زمینه برآورد کلی این حرکت تاکنون را در خور نظام اسلامی ارزیابی نکردند.

اما منظور رهبر معظم انقلاب از مرزهای دانش چیست؟ اساسا دستیابی به این جایگاه چه نتایج و منافعی را حاصل می‌کند؟ ذیل این عبارت، دانش به صورت یک دایره فرض می‌شود. شاید روزی که چرخ یا اولین حروف الفبا اختراع شد، نقطه کانونی این دایره بر کاغذ تمدن بشری نقش بست. در آن روزگار فاصله مرکز نقطه تا

رهبر معظم انقلاب ماه رمضان گذشته در دیدار با دانشجویان به شکستن خطوط مرزی علم تاکید کردند و فرمودند: «در دانشگاه باید هم عالم و هم علم تولید بشود، هم عالم و هم علم جهت درست پیدا کند؛ تربیت عالم که من از آن تعبیر می‌کنم به تولید عالم، و تولید علم که همان چیزی است که سال‌ها است تکرار می‌کنیم؛ یعنی خطوط مرزی علم را شکستن و جلوگیری. این کاری است که ما در کشورمان هنوز نتوانسته‌ایم آن‌چنانکه شایسته نظام جمهوری اسلامی است به آن برسیم؛ البته کارهایی شده، لکن عقیم.» نگاه فعالان دانشگاهی را در همین راستا جویا شدیم.»

مقصود رهبر انقلاب از تعبیر «شکستن خطوط مرزی علم» چیست؟



مهدی کیانی

دانشجوی علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

هم‌اکنون با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی کشور و بدنه جامعه درگیر مسائل مختلفی است که به خاطر عدم پیشرفت در سطوح مختلف علم و فناوری کشور باید هزینه عقب ماندگی را جبران کند. رهبری انقلاب مکرراً در دیدارهای مختلف خود با جامعه دانشگاهی روی تولید علم و علم‌گرایی تاکید داشته‌اند، لذا با توجه به تعبیری که رهبری معظم داشته‌اند، مساله شکستن خطوط مرزی علم چه آثار و پیامدهایی برای ارتقای جایگاه کشور و بهبود وضعیت معیشت مردم دارد؟ این مساله‌ای است که اولاً پاسخ آن نیازمند دید شفاف از نقاطی که طی چند سال عمر جمهوری اسلامی در آنها پیشرفت داشته‌ایم همانند علم پزشکی. در همین چند دهه گذشته برای کوچک‌ترین مشکلات و مسائل پزشکی وابسته به خارج بوده‌ایم، اما با همت جوانان این مرز و بوم و جامعه دانشگاهی توانسته‌ایم در مسائل پزشکی جایگاه ممتازی در سطح جهان کسب کنیم، به همین خاطر احاد مردم در رابطه با خدمات درمانی پزشکی دچار مساله و مشکل نیستند. توسعه علم و فناوری در سطوح مختلف به‌منظور پشتیبانی از راهبردهای توسعه‌پایدار کشور به حل چالش‌ها و مشکلات پیچیده فراروی خواهد پرداخت و این یعنی ارتقای کیفی زندگی

نگاه



پیام مرادی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد

پیشرفت یک کشور ارتباطی مستقیم با پیشرفت علم و فناوری دارد. این گزاره است که در میان نخبگان و حتی توده‌های مردم در مورد آن اختلاف نظری وجود ندارد. ناگفته

پیداست تمامی سطوح زندگی امروز از علم و دانش و درنهایت فناوری بشری متأثر هستند. به‌عنوان مثال صنعت یک کشور که از مولفه‌های اساسی قدرت اقتصادی و نظامی آن به شمار می‌رود نتیجه روشن پیشرفت فناوری است. نرخ بیکاری، رشد اقتصادی و سایر مولفه‌های اقتصاد یک کشور از چرخیدن چرخ‌های صنعت و کشاورزی اثر می‌پذیرند. در کشاورزی و صنعت طراحی محصولات، خطوط تولید، قدرت رقابت با رقبا یا حتی تبلیغات مناسب، بازاریابی و فروش موفق و... دست‌وارد حوزه‌های مختلف علمی هستند. تأمین انرژی و بهداشت و درمان در کشور یا حتی تضمین امنیت کشورها وابسته به تولید علم و توسعه فناوری است. داشتن کشوری امن در دنیایی پر از بحران‌های امنیتی، بدون جنگ‌افزارها و ابزارهای اطلاعاتی پیشرفته یا قدرت مقابله با تهدیدات سایبری، بیولوژیک و... ممکن نیست. بارها شنیده‌ایم که صنعت موشک کشورمان از اصلی‌ترین عوامل بازدارندگی و مقابله با تهدیدات نظامی علیه ایران است؛ موشک‌هایی که برای تولید و تست آنها مجموعه‌ای از علوم و فنون مختلف به کار گرفته می‌شوند تا چند هزار کیلومتر آن‌طرف‌تر نقطه مشخصی از خاک بدون راه‌دف بگیرند. اینها تنها بخشی از واقعیت‌ها و بدیهیات انکارناپذیر دنیای مدرن هستند که لزوم پیشرفت علمی یک کشور را گوشزد می‌کنند. در ایران



مردم؛ اگر ما می‌خواهیم به این نقطه از پیشرفت دست پیدا کنیم، باید به سمت علم‌گرایی و تولید علم در دانشگاه‌ها حرکت کنیم. امروزه از جمله مواردی که برای مردم مساله و مشکل ایجاد کرده، مساله اقتصاد است؛ مساله مهمی که با تمام شقوق زندگی در کشور مرتبط بوده و بیمار است و نیاز به توجه ویژه دارد. ما در مساله اقتصاد عقب هستیم و علت آن نبود پشتوانه علمی و تئوریک صحیح در دانشگاه‌های ما است. اقتصاد مقاومتی که در محورهای مختلف برنامه‌ریزی شده است، در توسعه علم و فناوری و نوآوری نقش بنیادینی دارد و از پایه‌های استحکام‌بخشی به اقتصاد کشور است و خود منشأ توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود. از جمله مشکلات عدم توفیق در علم اقتصاد این است که در دانشگاه‌های ما علم اقتصاد هم علمش و علمش دچار بیماری است و خود نمی‌داند، به همین جهت چهار دهه از انقلاب را اقتصاد کشور به بیراهه رفته و این وضع کنونی کشور در مساله اقتصاد است که مشاهده می‌کنید مساله بیکاری، تورم، نرخ اشتغال، میزان تولید و مصرف کشور همگی در گرو داشتن علم و عالمی که در راه درست باشند است، لذا امروزه انقلاب اسلامی نیازمند آن است که در سطوح مختلف بازسازی و نوگرایی صورت بگیرد که پیامدها و نتایج این مساله در ارتقای جایگاه کشور و نیز در زندگی عادی و روزمره مردم خواهد بود.

رهبری انقلاب در بیان این نکته این گونه

«در دانشگاه باید هم عالم و هم علم تولید بشود، هم عالم و هم علم جهت درست پیدا کند؛ تربیت عالم که من از آن تعبیر می‌کنم به تولید عالم، و تولید علم که همان چیزی است که سال‌ها است تکرار می‌کنیم؛ یعنی خطوط مرزی علم را شکستن و جلوگیری. این کاری است که ما در کشورمان هنوز نتوانسته‌ایم آن‌چنانکه شایسته نظام جمهوری اسلامی است به آن برسیم؛ البته کارهایی شده، لکن عقیم.»

مقصود رهبر انقلاب از تعبیر «شکستن خطوط مرزی علم» چیست؟

می‌فرمایند: «در این مساله نیازمند عالمان و اساتیدی هستیم که جرات شکستن مرزهای علم را داشته باشند؛ یعنی خطوط مرزی علم را مواردی که برای مردم مساله و مشکل ایجاد کرده، مساله اقتصاد است؛ مساله مهمی که با تمام شقوق زندگی در کشور مرتبط بوده و بیمار است و نیاز به توجه ویژه دارد. ما در مساله اقتصاد عقب هستیم و علت آن نبود پشتوانه علمی و تئوریک صحیح در دانشگاه‌های ما است. اقتصاد مقاومتی که در محورهای مختلف برنامه‌ریزی شده است، در توسعه علم و فناوری و نوآوری نقش بنیادینی دارد و از پایه‌های استحکام‌بخشی به اقتصاد کشور است و خود منشأ توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود. از جمله مشکلات عدم توفیق در علم اقتصاد این است که در دانشگاه‌های ما علم اقتصاد هم علمش و علمش دچار بیماری است و خود نمی‌داند، به همین جهت چهار دهه از انقلاب را اقتصاد کشور به بیراهه رفته و این وضع کنونی کشور در مساله اقتصاد است که مشاهده می‌کنید مساله بیکاری، تورم، نرخ اشتغال، میزان تولید و مصرف کشور همگی در گرو داشتن علم و عالمی که در راه درست باشند است، لذا امروزه انقلاب اسلامی نیازمند آن است که در سطوح مختلف بازسازی و نوگرایی صورت بگیرد که پیامدها و نتایج این مساله در ارتقای جایگاه کشور و نیز در زندگی عادی و روزمره مردم خواهد بود.

میزان تولید و مصرف کشور همگی در گرو داشتن علم و عالمی که در راه درست باشند است، لذا امروزه انقلاب اسلامی نیازمند آن است که در سطوح مختلف بازسازی و نوگرایی صورت بگیرد که پیامدها و نتایج این مساله در ارتقای جایگاه کشور و نیز در زندگی عادی و روزمره مردم خواهد بود.

شدن خطوط مرزی علم است.



گاهی لازم است توانایی‌هایمان را باور کنیم

البته اهمیت این مساله به دو دلیل بیشتر است: اولاً با توجه به چالش نظام اسلامی با قدرت‌های استکباری، حفظ امنیت و ثبات، مقابله با تهدیدات و تأمین نیازهای کشور بدون توسعه و پیشرفت علمی ممکن نیست. ثانیاً انقلاب اسلامی خود را به‌عنوان یک تحول تمدن‌ساز به جهان معرفی کرده است که بدون داشتن مرجعیت علمی در میان سایر کشورها و نیز توسعه علوم انسانی، ادعایی پوچ و بی‌معناست. از این رو سال‌هاست که رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با جامعه دانشگاهی کشور بر اهمیت مرجعیت علمی، پیشرفت علم و فناوری و گردش دانشگاه‌ها بر محور تولید علم و تأکید فراوانی داشته‌اند. البته عقب‌ماندگی تاریخی کشورمان در حوزه‌های مختلف علمی این سوال را به وجود آورده است که آیا اساساً امکان و ظرفیت رسیدن به مرزهای دانش در ایران وجود دارد یا خیر؟ تجربه سال‌های پس از انقلاب پاسخی قاطع به این پرسش می‌دهد. کافی است به این نکته توجه کنیم که ایران امروز یکی از تولیدکنندگان موفق دارو در دنیاست و در پزشکی فاصله‌ زیادی با مرزهای دانش ندارد. همه اینها در حالی است که چند دهه پیش از

این سده‌ترین مشکلات درمانی و بهداشتی کشور به دست پزشکان فیلیپینی یا هندی رفع می‌شد. توانمندی کم‌نظیر کشورمان در تولید موشک‌های بالستیک نقطه‌زن یا ماهواره‌برهای قاره‌پیما با برد چند هزار کیلومتر دستاوردی بی‌نظیر است. آن هم برای کشوری که در استفاده از تجربیات دیگران و فناوری‌های موردنیاز یا محدودیت‌های بسیاری مواجه بوده است. به این لیست البته باید پیشرفت صنعت هسته‌ای و نیز نزدیک شدن به مرزهای دانش می‌تواند مشکل‌ساز باشد.



اینجا مرز نشین‌ها کامیابند!

جهانی را رهاورد این عمل برشمردند. امروزه جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلفی طعم شیرین حرکت‌های علمی با این‌وصف را چشیده است. مدت مدیدی نیست که بیماران کشورهای منطقه برای مداوا، کشورهای غربی و حتی رژیم صهیونیستی را برمی‌گزینند؛ لکن اکنون شاهدیم که ایران با کسب آمار بالایی از جذب توریست پزشکی، بحق در خور لقب قطب پزشکی غرب آسیا است. گذشته از این در حوزه‌های فنی، ایران با دویای صنعت هوافضا و فناوری هسته‌ای‌های‌ماد بلندی در نام‌آوری و پیشرفت برداشته است و این پیشتازی، در رنکینگ برخی دانش‌های نوینباد نظیر نانو و لیزر نیز به چشم می‌خورد و نام جمهوری اسلامی به‌عنوان بازیگری پیشرو در فهرست صاحبان این علوم در چشم جهانیان می‌درخشد.

این مصادیق پیشرفت، موجد قدرت نرم و نفوذ روانی بالایی در بطن عموم ملل جهان می‌شود و نفس این موضوع زمینه‌لام برای ایجاد حصول بهینه‌تر منافع ملی در نظام بین‌الملل افرامه می‌آورد. رفع نسبی نیاز به قدرت‌های سلطه‌گر، افزایش ضریب استقلال سیاسی اقتصاد، احیای اقتصاد و افزایش درصد اشتغال، نوآوری، مدیریت و حل برخی بحران‌های پیش‌رو و توان جذب نخبگان داخلی و خارجی از جمله مزیت‌هایی است که با حرکت‌های علمی جدی حاصل خواهد شد.

دیدگاه

دانش رکن اساسی پیشرفت



علی‌اصغر خلیلی*

کشور ما قبل از انقلاب اسلامی، در ردیف‌های آخر علمی دنیا قرار داشت. امروز به برکت این انقلاب و با همت جوانان با استعداد کشورمان، ایران از لحاظ علمی در رتبه شانزدهم قرار گرفته است و پیش‌بینی کردند که تا چند سال دیگر، ایران به رتبه تک‌رقمی خواهد رسید. این به آن خاطر است که رشد علمی در ایران شتاب زیادی گرفته و شتاب ما چندین برابر متوسط شتاب دنیاست.

رمز پیشرفت و محور اصلی برای اقتدار یک کشور، علم است. دنیای غرب، ثروت و اقتدارش را از ناحیه علم به دست آورده است. بدون انواع دانش اقتدار کشور امکان‌پذیر نیست. دانش رکن اساسی دانشگاه است؛ یعنی در دانشگاه باید هم عالم تولید شود، هم علم تولید شود و هم عالم و هم علم جهت درست پیدا کنند. نتیجه اینها باید آن باشد که از لحاظ علمی جلو برویم؛ این باعث می‌شود که فناوری هم جلو برود و در زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. همه اینها باید در جهت درست، در جهت نفع و کمال جامعه باشند.

تاریخ ایران، سرشار از افتخارات علمی است. آن روزی که در دنیای غرب، اگر یک پیشرفت علمی به وجود می‌آمد و یک کشف علمی می‌شد، کاشف را به جرم جادوگری آتش می‌زدند، آن روزی که تاریکی علمی مطلق بر منطقه اروپا حاکم بود، کشور ما پیشرو کشورهای اسلامی در عرصه علم بود. این نشان دهنده وجود یک استعداد برتر و یک ذخیره استعدادی سرشار در این منطقه از جغرافیای عالم است. استعداد جوان ایرانی از متوسط استعداد بشری بین‌المللی بالاتر است ولی ما به دلایل مشخص تاریخی از کاروان علم دنیا عقب افتاده‌ایم. جوانان و دانشمندان کشورمان نیاز به حمایت و توجه بیشتری دارند تا روحیه ما می‌توانیم» را در خود حفظ و تقویت کنند. عدم توجه به این مساله، باعث کاهش سرعت رشد علمی در کشور می‌شود. این سرعت پیشرفت باید سال‌ها ادامه پیدا کند تا به خطوط مقدم دانش جهانی برسیم. اگر پیشرفت علمی را دنبال کردیم، آن وقت اقتصاد دانش‌پایه- که سرمایه‌گذاری‌اش اندک است اما فراورده و محصولش بسیار زیاد است- در اختیار ما قرار خواهد گرفت. عزت ملی در عرصه علم به این است که جوان دانشجو، پژوهشگر و عالم محقق سعی کند مرزهای علم را درنوردد و علم را تولید کند.

بومی‌سازی فناوری‌های موجود بسیار مهم است اما باید تلاش کنیم که هدف را این قرار بدهیم که به فناوری‌های جدید و مرجعیت علمی برسیم. در تاریخ سرزمین ما زمانی این‌چنین بوده است؛ تحقیقات محمد بن زکریای رازی، خواجه نصیر، خیام، خوارزمی و... همه‌این طور. کتاب‌های دانشمندان ایرانی را نیاز داشتند و به زبان‌های خودشان ترجمه می‌کردند. برای نمونه کتاب «قانون» ابن‌سینا که در پزشکی است چند صدسال پیش به زبان فرانسه ترجمه‌شده است. تاکنون هم پیشرفت‌های خوبی به‌ویژه در زمینه نوافنآوری، دانش هسته‌ای، پزشکی و سلول‌های بنیادی داشته‌ایم؛ اما این پیشرفت‌ها برای جامعه ایرانی که پزشک و ستاره‌شناس و عالم اجتماعی هزار سال قبلش، قرن‌ها بعد در دنیا درخشیده است، کافی نیست.

البته برداشتن قدم‌های جدید، مستلزم پیمودن راه‌های رفته‌شده و طی‌شده به‌وسیله دیگران است اما هیچ‌وقت نباید ذهن را از کاوش و جست‌وجو برای یافتن راه‌های میان‌بر و کشف نشده توسط بشر محروم و ممنوع کرد و ما در حال حاضر به کشف این راه‌های میان‌بر در مسیرهایی که در عالم طبیعت وجود دارد، نیاز داریم. در زمینه اقتصاد هم شکستن خطوط مرزی علم، آن چیزی است که به ما کمک اساسی خواهد کرد؛ یعنی اگر ما توانستیم کار علمی را پیش ببریم و علم را اقتصادی کنیم، قطعاً در زمینه اقتصاد از فروش نفت و خام‌فروشی‌هایی که داریم و مانند اینها، برای ما بسیار به‌صرفه‌تر خواهد بود.

آنچه استادان ما برای پیشرفت علم، در مسیر همت خودشان باید قرار بدهند، این است که نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتمادبه‌نفس شخصی و ملی و کار متراکم، انبوه کار، کیفیت، علاج کار پیشرفت علمی ماست. استاد باید کار علمی کند، از کارش خسته نشود، به آن کار علمی‌اش افتخار کند و به قابلیت و توانایی‌های این ملت و دانشجویان اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یک استاد وجود داشته باشد، این در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به علل دانشجو سرریز خواهد شد و تأثیر تربیتی خودش را بر جامعه خواهد گذاشت.

*** مدیرمسئول نشریه گمان کارآفرینی، دانشگاه تهران**

ناکامی‌های ما، چرا و چگونه؟

رئیس وقت سازمان سیار در گزارشی به اوباما در رابطه با فعالیت‌های سایت هسته‌ای نطنز می‌گوید: «هیچ بمب اتمی در کار نیست! آنها آنجا در حال تولید دانش و اعتمادبه نفس هستند.» دولت‌هایی که در دسترسی به مرزهای دانش سریع‌تر عمل کرده‌اند، خیال اشتراک این عنصر سلطه‌افزین را در سر ندارند. امروزه شاهدیم حرکت حوزه‌های برجسته فناوری مانند دانش هسته‌ای و فضایی به بهایی ناچیز و تقریباً هیچ متوقف می‌شود. این درحالی است که ایران در مسابقه تکنولوژی نسبت به رقبای خوش تاخر زمانی زیادی دارد، فلذا نه‌تنها قمار و تسويف بر سر این مساله هیچ معنایی ندارد که حتی سرعتی چند برابر نسبت به سایر دولت‌های جهان را می‌طلبد. گذشته از علل بیرونی، مع‌الاسف کم نیستند اظهارات ناامیدکننده‌ای که ناشی از عدم درک حساسیت موضوع است. طبیعی است که درخت علم در زمین مسئولانی که حوزه آموزش را هزنه‌زا قلمداد می‌کنند، آنچنانکه باید ثمر نمی‌دهد. البته ذکر این موانع در این متن کماکان از حیطه مسائل علمی خارج نشده است و چنانچه شمارش این عوامل به موازای این حوزه کشیده شود، با مباحثی روبه‌رو می‌شویم که با تسامح می‌توان از آن به‌عنوان خیانت یاد نکرد. تصور اینکه دیوانسالاری فاسد و سیادت ژن‌های مرغوب اثراتی محدود به همان حوزه‌اداری و حکومتی دارد، خیال باطلی است. خروچی این دست سیستم‌های معیوب می‌توانند مدیرانی باشند که در هوای نفس گیر کشور خودروهایی که به جای بنزین، آب مصرف می‌کنند را بی‌ایند و زیان‌ده از زیایی کنند.

*** مدیرمسئول نشریه ایران دانشگاه فردوسی مشهد**